

چند یادآوری درباره شیوه نگارش

۱- حد و استقلال هر کلمه از لحاظ معنی و عمل دستوری آن حفظ گردد و هر کلمه مستقل جدا از کلمات دیگر نوشته شود.

نویسیم

دانشسرای عالی - وزارت فرهنگ

بنابراین کلمات: را، این، آن، ای، هم، (پیوند قیدی)، اعداد، چه (صفت پرسشی و تعجبی)

را نباید به کلمات دیگر چسبانید.

بنویسیم

دانشسرای عالی - وزارت فرهنگ

نویسیم

کتابرا . آنمرد . اینزمان .

مردیکه . ایمرد . یکروز . چکنم

چگویم . آنست . کتابست

بنویسیم

کتاب را . آن مرد . این زمان

مردی که . ای مرد . یک روز . چه کنم

چه گویم . هم می آید هم می رود .

آن است . کتاب است

یادآوری ۱- «را» در «تورا» و «که را» سرهم و به صورت «ترا» و «کرا» نیز می تواند نوشته شود.

یادآوری ۲- «چه» که با «آن» و «چنان» ترکیب می شود، پیوسته نوشته شود: آنچه . چنانچه

۲- «به» حرف اضافه معمولاً جدا نوشته می شود (به خانه ، به مدرسه)

یادآوری ۱- (ب) در (بد) که صورت دیگری از (به) است در مواردی مانند بدین ، بدان ، بدو ،

بدیشان ، بدانان پیوسته نوشته می شود (دراین حال «ب» از «د» جدا نیست)

یادآوری ۲- در عبارت عربی : بغیر ، بلافصل ، بلاعارض ، مابازاء ، بلافاصله ، بلا تکلیف و مانند

آنها چون (ب) جر عربی است نه حرف اضافه فارسی ، پیوسته نوشته می شود .

۳- دو یا چند کلمه که از ترکیب آنها کلمه ای (نوع دستوری) تازه با مفهومی تازه (غیر از مفهوم

هریک از اجزای ترکیب) پدید آمده باشد ، پیوسته به یکدیگر نوشته می شود مانند :

بنویسیم

دوستکام ، صاحب‌دل ، چپستان ، یکشبه
یکشنبه ، دانشگاه

نویسیم

دوست کام ، صاحب دل ، چپست آن
یک‌شنبه ، دانش‌گاه

مگر آنکه سرهم نوشتن اجزای کلمه مرکب سبب اشتباه یا دشواری در خوانده شدن کلمه شود که در این صورت جدا از یکدیگر نوشته می‌شود.

بنویسیم

عدالت شعار ، شماتت‌ورزی ، هم منزل

نویسیم

عدالت‌شعار ، شماتت‌ورزی ، هم‌منزل

۴- پیشوندها و پیوندها همواره چسبیده به کلمه‌ای که با آن ترکیب می‌شود نوشته شود.

بنویسیم

همدل ، همراز ، بجا ، بخرد ، بهوش
دانشمند ، گلزار ، نمکدان

نویسیم

هم‌دل ، هم‌ارز ، به‌جا ، به‌خرد ،
دانش‌مند ، گل‌زار ، نمک‌دان

۵- پیشوندهای فعلی ؛ ، م ، ن ، باید پیوسته به فعل نوشته شود :

بنویسیم

برود ، نرود ، مرو

نویسیم

به‌رود ، نه‌رود ، مه‌رو

۶- «می» جدا از فعل نوشته می‌شود :

بنویسیم

می‌رود ، می‌انداخت

نویسیم

می‌رود ، میانداخت

۷- «ه» غیر ملفوظ در کلمات مرکب و مشتق به جزء بعدی خود نمی‌چسبد ، و همچنین است در هنگامی که کلمه «ها» ی جمع بگیرد .

بنویسیم

دیوانه‌وار ، حيله‌گر ، خانه‌ها
جامه‌ها ، علاقه‌مند ، گله‌مند
پیشه‌ور ، بهره‌ور ، نامه‌رسان

نویسیم

دیوانه‌وار ، حیل‌ه‌گر ، خانها
یاخانها ، جامها یا جامهها ، گل‌مند
پیشه‌ور یا پیشور ، نامهرسان یا نامرسان

۸- کلماتی که به (ه) غیر ملفوظ ختم می‌گردد هنگامی که صفت یا مضاف‌الیه بگیرد برسر (ه) (ه)

همزه (سریای کوچک) گذاشته می‌شود: خانه من، جامه من، جامه سپید (نه به صورت خانه‌ی من و جامه‌ی سپید).

۹- «ه» غیر ملفوظ چون غالباً جانشین «ا» پهلوی است هنگام چسبیدن به «ان» جمع و «ی» مصدری «و گاهی هم ی نسبت) «ك» محذوف کلمه برمی‌گردد و بدل به (ك) می‌شود، مانند بندگی، زندگی، بندگان، خانگی، هفتگی. بنابراین نوشتن این گونه کلمات با (ه) درست نیست و نباید نوشت: بنده گی، زنده گی، بنده گان، خانه گی، هفته گی

۱۰- پیشوند «بی» در کلمات مرکبی که جزء دوم ترکیب با مصوت آغاز می‌گردد جدا نوشته‌شود.

بنویسیم

نویسیم

بی‌آرام، بی‌آزار، بی‌ادب، بیارام، بی‌آزار، بیادب

۱۱- فعلها و ضمیرهای، ام، ای، ایم، آید، اند، (فعل)، ام، ات، اش، تان، شان، (ضمیر) چون شبیه پسوند است اگر پس از صامت یا مصوت‌های بلند قرار گیرد به کلمه پیش از خود می‌چسبد مانند: خویم، خوبی، بزرگید، بزرگند، کتابیم، کتابت، کشتیم، کشتیش، کتابان، خوشخویم، خوشخویند، خوشخویی، داناییم.

ولی اگر بعد از مصوت‌های کوتاه بیاید جدا نوشته می‌شود مانند: فرزانه‌ام، فرزانه‌ای، فرزانه‌اید، خانه‌ام، خانه‌اش، من همکار توام، اینها مال تواند.

۱۲- کلمات اسماعیل، رحمان، اسحاق، ابراهیم، هارون بهتر است به همان ترتیب که تلفظ می‌شود با الف نوشته شود نه به صورت: اسمعیل، رحمن، اسحق، ابرهیم، هرون.

۱۳- «ا» در «است» پس از مصوت‌های بلند (آ) و (او) چنانچه مصوت آغاز (است) تلفظ نشود حذف می‌گردد.

بنویسیم

نویسیم

دانا است، نیکو است، داناست، نیکوست

بصره ۱- «ا» در (است) پس از مصوت بلند «ای» چه تلفظ شود و چه نشود حذف نمی‌گردد.

بنویسیم

نویسیم

کشتی است، باقی است، کشتی‌ست، باقی‌ست، یا کشتیست
یا باقیست

بصره ۲- (ا) در «است» پس از «ه» غیر ملفوظ و صامت‌ها بهتر است که حذف نشود مانند بیچاره است، کدام است، کتاب است.

۱۴- اگر ا، ای، ایم، اید، اند بعد از کلمه مختوم به صامت بیاید الف از اول آنها حذف می‌شود،

مانند :

پاکم، پاکمی، پاکیم، مشغولند.

۱۵- «و» در کاووس، طاووس، پشاور، لهاور و مانند آنها چنانکه در بین گروهی معمول است

نباید حذف شود و به صورت : کاوس، طاوس، پیشاور، لهاور در آید (داود از این قاعده مستثناست).

۱۶- همزه آخر بعد از الف را در کلمات عربی که غالباً در فارسی تلفظ نمی‌شود می‌توان حذف کرد

و نوشت : ابتدا، انقضا، اطبا، بیضا (به جای ابتداء، انقضاء، اطباء) این گونه کلمات، در این صورت، در هنگام گرفتن صفت یا مضاف‌الیه به قرینه کلمات فارسی مختوم به «ا»، «ی» می‌گیرد مانند، ابتدای کار، انقضای مدت، ارضای خواهشها.

۱۷- در فعلهایی که با مصوت آغاز می‌شود و برسر آنها پیشوندهای (ب)، (ز) و (م) درمی‌آید :

الف- بدل به صامت «ی» می‌گردد : بیفتاد، نینداخت، نیفتاد، میازار، میاسا (به جای : بافتاد،

بانداخت، نافتاد، مآزار، مآسای).

اما اگر فعل با مصوت بلند «ای» یا مصوت کوتاه «ا» آغاز شود «ا» باقی می‌ماند مانند؛ بایستاد،

مایست، باستاد، (مخفف بایستاد).

۱۸- (ة) زائد عربی اگر در فارسی «ت» تلفظ گردد به صورت (ت) نوشته می‌شود.

ننویسیم

می‌نویسیم

رحمة، زحمة

رحمت، زحمت

و اگر تلفظ نگردد به صورت «ه» غیر ملفوظ نوشته می‌شود مانند : اراده و غلبه، در این صورت هنگام

گرفتن «ان» جمع و «ی» نسبت و مصدری، قاعده «ه» غیر ملفوظ فارسی در آنها اجرا می‌شود : بی‌علاقه، بی‌حوصله، نظاره و جمله که می‌شود، بی‌علاقگی، بی‌حوصلگی، نظارگان و جملگی.

۱۹- الفهای مقصور عربی در فارسی همان طور که تلفظ می‌شود با الف نوشته شود.

ننویسیم

بنویسیم

اعلی، قوی، تقوی، مبتلی، مصفتی

اعلا، قوا، تقوا، فتوا، مبتلا، مصفاً

یادآوری ۱- این گونه الفها در اسمهای خاص عربی مستعمل در فارسی به پیروی از اصل با «ی»

نوشته می‌شود مانند :

مصطفی، مرتضی، موسی، عیسی، کبری، صغری، یحیی، همچنین است در کلمات الی و علی

و حتی که در فارسی بسیار به کار می‌رود.

یادآوری ۲- اگر این گونه اسمها مضاف الیه یا صفت یا پسوند یا جزء ترکیبی دیگری بگیرد باید

با «ا» نوشته شود، مانند: یحییای برمکی، عیسیای مسیح، مجتبابی.

۲۰- کلماتی که با مصوت‌های بلند «آ» و «و» ختم می‌شود اگر به پسوندها و اجزائی که با مصوت بلند «ای» آغاز می‌گردد (مانند ایم، اید وای نکره و خطاب و مصدری و نسبت) بچسبد بین دو مصوت بلند، یائی افزوده می‌شود که می‌توان آن را به صورت «ئ» یا «ی» نوشت مانند: دانایی، نیکویی، دانشجوئیم و دانشجوئید یا دانائی، نیکوئی دانشجوئیم، دانشجوئید.

۲۱- همزه ساکن پس از فتحه در وسط یا آخر کلمه روی الف نوشته شود: رأس، رأفت، مستاجر، مامن، خلا، ملا، مبدأ، منشأ.

۲۲- هر گاه همزه در وسط کلمه بین مصوت کوتاه «ا» (فتحه) (اَ) و مصوت بلند (اِ) «الف» قرار گیرد به صورت مدّ (آ) در روی الف نوشته شود: مأخذ، مال، ماب، لآلی، مآثر، منسات.

۲۳- بعد از ضمّه خواه در وسط باشد یا آخر کلمه همیشه روی (واو) نوشته شود: مانند مؤمن، رؤیت، فؤاد، مؤاخذه، رؤسا، لؤلؤ.

۲۴- در آخر کلمه بعد از حروف صامت و مصوت‌های بلند «و» «ی» و بعد از «ی» جدا و پس از آخرین حرف نوشته شود: شیء، جزء، سوء، بطیء.

۲۵- همزه متحرک یا ساکن وسط کلمه در بقیه موارد بنا بر سنت فارسی زبانان روی دندانۀ «ی» نوشته شود مانند: مسئله، لثام، توطئه، مصائب، ائمه، رسائل، کائنات، خائن، رئوس، مسئول، رئوف، شئون و غیره.

تبصره- کلمات خارجی مانند: لائوس، نئاندرتال، سوئز، اورلئان، رئالیست، ایدئالیست، بوسوئه، ژوئن، مائومائو، کاکائو، ناپلئون، ژئوفیزیک و نظایر آنها به همین صورتی که دیدیم نوشته می‌شود.

۲۶- تنوین مخصوص کلمات عربی است و تنوین نصب (ـِ) در همه کلمات عربی مستعمل در فارسی بنا بر سنت فارسی زبانان - حتی اگر کلمه به تاء زائد عربی یا همزه ختم شده باشد - عموماً روی الف گذاشته می‌شود: کاملاً، اتفاقاً، عجالتاً، حقیقتاً، نسبتاً، جزئاً، استثنائاً.

نشانه گذاری

تمام قواعد نشانه گذاری فرنگی را نمی‌توان فعلاً در نوشته‌های فارسی مراعات کرد ولی درست به کار بردن پاره‌ای از آن قواعد که کم و بیش در خط ما نیز راه یافته مفید است. اینک این گونه نشانه‌ها و موارد استعمال آنها در زبان فارسی.

نشانهٔ درنگ یا (ویرگول)

- این علامت نشانهٔ وقف یا مکثی کوتاه است و در فارسی در این موارد می‌توان آن را به کار برد :
- ۱- به جای «و» و «یا»ی عطف در بین کلمات و گروهها ، جمله‌ها، اعداد و حروف مانند : کشورهای ایران ، ترکیه و عراق زمانی هم پیمان بودند (بین کلمات) .
ما هیچ نمی‌دانیم تو چه می‌گوئی ، چه می‌خواهی و چرانگرانی (بین جمله‌ها)
کار ما ، کوشش آنها و تلاش دیگران موجب پیشرفت کشور خواهد شد . (بین گروهها)
اعداد ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۳۰ قابل قسمت بر پنج است . (بین اعداد)
حروف فارسی عبارت است از : ا ، ب ، پ ، ت ، ... (بین حروف) چنانکه دیده می‌شود پیش از آخرین فقره به جای (،) حرف عطف می‌آید .
 - ۲- برای جدا کردن گروهها و جمله‌ها و کلمات به منظور آسانتر کردن خواندن و فهم معنی مانند :
به محض آنکه از در درآمد ، شمشیر از نیام برکشید .

دو نقطه (:)

- این نشانه را در این موارد می‌توان به کار برد :
- ۱- برای برشمردن و شرح دادن اجزاء یک کَل با تفصیل یک امر مجمل :
در این مدرسه چهار رشته تدریس می‌شود: ۱- طب ۲- ریاضیات ۳- ادبیات ۴- زبانهای خارجی . اگر تقسیمات یا عباراتی کوتاه باشد آنها را به دنبال هم می‌آورند مانند مثالی که دیدیم ، اما اگر با جمله‌های کامل و طولانی باشد هر قسمت از اول سطر آغاز می‌گردد .
در سال ۱۳۱۵ اطلاعات ذیل از طرف وزارت فرهنگ انتشار یافت :
(۱) برای ده درصد از اطفالی که به سن مدرسه رفتن رسیده‌اند وسایل تحصیل فراهم است .
(۲) تعداد مدارس متوسطه ۳۵ است در آنها جمعاً (۱۳۵۱) نفر به تحصیل اشتغال دارند .
(۳) در یکی دو سال آینده سعی کافی در تأسیس مدارس روستایی و حرفه‌ای به عمل خواهد آمد .
 - ۲- پس از عنوان نامه :
دوست عزیزم :
 - ۳- برای بیان مثال یا نمونه‌ای از یک قاعده : امروز عدد اصلی پیش از معدود می‌آید : دو کتاب .
سه روز و ...
 - ۴- پیش از نقل قول مستقیم :
خواجۀ شیراز فرماید :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد .

نقطه (.)

نقطه را در این موارد می‌توان به کار برد :

۱- برای وقف کامل در پایان هر جمله خبری و اسری یا بعضی از جمله‌های هیجانی و جدا کردن آنها از جمله‌های دیگر : بروبه دانشکده . (امری) هوشنگ از مدرسه به خانه رفت .

۲- خبری

۳- پس از حروف مجزایی که صورت مخفف کلمات است : د . ه . لارنس .

نشانه پرسش (?)

این نشانه در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم قرار می‌گیرد :
کجا می‌روی ؟ فرهاد از کجا آمده بود ؟

نشانه هیجان یا تعجب (!)

این نشانه تنها علامت تعجب نیست بلکه نشانه هیجانان و عواطف به طور عام است و پس از بعضی از اصوات و جمله‌های تعجیبی و هیجانی قرار می‌گیرد :
وای ! زود زود برگرد ! چه شهر زیبایی است !

دو کمان ()

دو کمان برای جدا کردن بعضی از کلمات و گروهها و جمله‌های توضیحی و معترضه به کار می‌رود :
در کاتانگا (ایالتی است در کنگو) معدن مس فراوان است . جمعیت شهر (که باحومه آن ۷ نفر است) نسبت به وسعت آن چندان زیاد نیست .

قلاب باکروشه []

این نشانه را می‌توان در این موارد به کار برد :

۱- گروه در برابر Phrase انگلیسی و Locution فرانسوی برگزیده شده است و مراد از آن دو کلمه یا بیشتر است که بی‌آن که ترکیب شود یا تشکیل جمله دهد وظیفه دستوری یکی از اقسام کلمه را برعهده گیرد مانند : آن دو مرد بزرگوار (گروه اسمی) بسیار بزرگ (گروه وصفی) به منظور این که (گروه ربطی) که کلمات مزبور به ترتیب در جمله می‌تواند کار اسم ، صفت و پیوند (حرف ربط) را بکند .

۱- برای الحاق و اصلاح یا توضیح احتمالی در تصحیح ستون :
امیر [مسعود غزنوی] وی را بنشانند و حالی کرد.

۲- برای مشخص کردن مطالبی که جزء اصلی کلام نیست :
ناطق گفت : «با تصویب این قرار داد همه کارها اصلاح خواهد شد» [خنده حضار].

خط (-)

این نشانه را می‌توان در این موارد استعمال کرد :

۱- برای جدا کردن عبارات معترضه مخصوصاً وقتی که بستگی آنها با بقیه جمله بیش از آن باشد که در دو کمان گذاشته شود.

سرانجام آن زمان فرا خواهد رسید - خیلی زود هم فرا خواهد رسید - که شما به نتیجه حرفهای من برسید.

۲- در مکالمه دوجانبه :

- سخن مرا شنیدی ؟

- درست نشنیدم

۳- برای نشان دادن فاصله مکانی یا زمانی

راه تهران - اصفهان

فقط دو ساعت - ۷ (از ۰ تا ۷) وقت دارم

سه نقطه (...)

این علامت در مورد حذف جزئی یعنی حذف یک یا چند کلمه به کار می‌رود.

چند نقطه (...)

برای حذف یک یا چند بیت شعر و احیاناً یک یا چند سطر نثر استعمال می‌شود مانند این غزل حافظ :

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

.....

خنده جام می و زلف گره گیر نگار

ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست

از شاهکارهای شعر فارسی است.

نشانه توجه « »

این نشانه در این موارد استعمال می‌شود :

۱- برای نقل قول مستقیم :

سعدی فرماید : « هر که را زرد تر ازوست زور در بازوست»

۲- در مورد اصطلاحات تازه یا جعلی و کلمات و عبارات و گروه‌های مؤکد و آنچه باید مورد توجه

واقع شود :

«جملهٔ پهلوان پنهان» جمله‌ای است که در حکم یک کلمه از اجزای جملهٔ پایه باشد.

۳- برای استهزا : به او «پهلوان پنهان» لقب داده بودند ، زیرا با ادعای بسیار در زورمندی ،

جسمی نحیف داشت .

من آن «دانشمند محترم» را از خیلی پیش می‌شناختم .